

را بشمارید شاید به پانزده، بیست نفر هم نرسد؛ درآمد‌های بالایی دارند. آن وقت همین پانزده، بیست نفر را ملاک قرار می‌دهند برای گرفتن مالیات از هنرمندان. از کار فرهنگی هنری که نمی‌شود مالیات گرفت، آن هم کاری که فقط یک تعداد تماشاگر دارد. هنرمند هم ناچار است بلیت را به قیمتی بگذارد که وقتی تمام این قضایا از آن کم شود، ته آن یک چیزی هم برای خودش مانده باشد. یعنی با این مسئله هم به هنرمند ضربه زده‌اید، که ناچار می‌شود قیمت بلیت نمایشش را یک خرده بالاتر ببرد تا بتواند همین مالیات را تأمین کند، هم به تماشاگر تئاتر ضربه زده‌اید. چون از او هم دارید مالیات می‌گیرید. از کار فرهنگی هنری که نمی‌شود مالیات گرفت؛ این‌ها که جزو کارهای درآمدزا نیستند، مالیات بر ارزش افزوده یعنی چه؟ کدام ارزش افزوده؟ چه چیزی این‌جا وجود دارد؟ چه درآمدی وجود دارد؟ من الان اصلا کاری به مسائل دیگر هنرهای نمایشی ندارم و فقط راجع به تئاتر صحبت می‌کنم، شما حداقل باید تئاتر را از مالیات معاف کنید، نه تنها معاف کنید باید حمایتش کنید، باید به آن کمک کنید.

ببینید قشری که عاشق فرهنگ و هنر است، قشری که می‌آید تئاتر ببیند، قشری که دارد کار تئاتر می‌کند، این‌ها آدم‌های پردرآمدی نیستند، این‌ها آدم‌هایی نیستند که دارای ثروت و مکنند آن چنان عجیب و غریبی باشند. شما از یک فردی که ثروت زیادی دارد، بپرسید چند کتاب در سال می‌خواند؟ منظورم همه افراد ثروتمند نیست ولی اکثر این‌گونه‌اند و من الان استثنا را کاری ندارم. بنابراین چه کسی کتاب می‌خواند؟ دانشجوی کتاب می‌خواند، کسی که عاشق مسئله فرهنگی است کتاب می‌خواند، معلم و استاد دانشگاه کتاب می‌خوانند، هیچ‌کدام این‌ها افرادی نیستند که از درآمد‌های بالایی برخوردار باشند. آن وقت از این‌ها مالیات می‌گیرید؟ از این‌ها بابت اشاعه و توسعه فرهنگ مالیات گرفته می‌شود؟ خوب این چگونه عمل می‌شود؟

جرقه‌های باارزشی که می‌تواند تبدیل به نور شود، به دلیل این که حمایت نمی‌شوند، خاموش می‌شود.

باید به گونه‌ای عمل شود که آن افرادی هم که دستشان به دهنشان می‌رسد و توان مالی دارند، کشیده شوند به سمت جریانات فرهنگی، آن‌ها هم کشیده شوند به سوی خواندن کتاب، کشیده شوند به طرف تئاتر؛ خوب هیچ‌کدام این‌ها با حساب و کتاب و زمینه‌سازی نیست. این‌ها اشکالاتی است که زیربنایی است و باید حل شود. هنرمند تئاتر تا چه زمانی می‌تواند به همین شکل ادامه دهد و کارش را جلو ببرد؟

باور کنید خود من در خیلی از نمایش‌هایی که می‌بینم، متوجه جوان‌های بسیار با استعدادی می‌شوم که دارند کار می‌کنند و لایق حمایت شدن‌اند و بعضی وقت‌ها می‌بینم جرقه‌هایی زده می‌شود که جرقه‌های بسیار بسیار با ارزش و فراوانی است که می‌تواند تبدیل به نور شود اما به دلیل این که حمایت نمی‌شوند، خاموش



مالیات بر ارزش افزوده یعنی چه؟ کدام ارزش افزوده؟ چه چیزی این‌جا وجود دارد؟ چه درآمدی وجود دارد؟ من الان اصلا کاری به مسائل دیگر هنرهای نمایشی ندارم و فقط راجع به تئاتر صحبت می‌کنم، شما حداقل باید تئاتر را از مالیات معاف کنید، نه تنها معاف کنید، باید به آن کمک کنید

تئاتر زنده‌ترین، مردمی‌ترین و انسانی‌ترین هنری است که از دیرباز در تمام دوران‌ها با بشر همراه بوده و برای به اشتراک گذاشتن دغدغه‌هایشان، گاه پا به پا شده در میدان‌ها و خیابان‌ها فریاد زده، گاه مانند آینه‌ای تمام‌نما روی صحنه زندگی‌شان کرده؛ مدت‌هاست که از بی‌توجهی‌ها و بی‌مهری‌ها به سختی نفس می‌کشد و دیگر می‌توان مظلوم‌ترین هنر نامیدش. برای دانستن حال این روزهای تئاتر کنار ایرج راد از هنرمندان پیشکسوت سینما، تلویزیون و تئاتر و دارای عنوان درجه یک هنری است؛ می‌رویم تا شرح حال تئاتر را از زبان او بشنویم. با ایرج راد در مورد عملکرد تئاتر در سال گذشته و روند آن در چند سال اخیر صحبت کرده‌ایم. می‌پرسیم و او اوضاع تئاتر را این گونه مو به مو شرح می‌دهد:

با حمایت خود تئاتری‌هاست که چراغ تئاتر روشن نگاه داشته می‌شود

متأسفانه اگر بخواهیم در مورد وضعیت تئاتر به این شکل صحبت کنیم که در سال گذشته چگونه بوده؟ امسال چگونه است؟ یا قبل از آن چه‌طور بوده؟ باید بگوییم که تئاتر ما همیشه با مشکلات و معضلات عدیده‌ای روبرو بوده و هست و تا این مشکلات برطرف نشود، این نابسامانی‌ای که وجود دارد، همچنان ادامه پیدا خواهد کرد. در حال حاضر حمایت‌های مالی‌ای که باید و لازم است در این زمینه‌ها شود، واقعا به آن معنا وجود ندارد. حتی حمایت‌های معنوی نیز برای این که تئاتر توسعه پیدا کند و بتواند کار کند؛ وجود ندارد. در واقع بدون کمک‌های واقعی و با حمایت خود تئاتری‌ها است که چراغ تئاتر روشن نگاه داشته می‌شود.

در همه جای دنیا از تئاتر حمایت می‌شود حتی از تئاترهایی که شکل تجاری دارند یعنی تئاترهایی که به آن معنای واقعی خودشان نیستند، آن‌ها هم بدون کمک دولت و بدون کمک شهرداری‌ها نمی‌توانند روی پای خودشان بند شوند. با وجود این که سالن‌هایشان هر شب به اصطلاح پُر می‌رود و تماشاگر خاص خودشان را هم دارند. در حالی که ما با همیشه با مشکلات این چنینی روبرو هستیم و آن کمک‌هایی که لازم است برای هنرمندان تئاتر صورت بگیرد، به هیچ عنوان صورت نمی‌گیرد.

هر روز که داریم جلوتر می‌رویم، غبطه سال‌های قبل را می‌خوریم من الان آرزو می‌کنم که ای کاش وضعیت تئاتر و امکاناتی که به تئاتری‌ها داده می‌شود مانند بیست و پنج سال پیش بود. متأسفانه ما هر روز که داریم جلوتر می‌رویم، غبطه سال‌های قبل را می‌خوریم. در صورتی که باید طی این بیست و پنج سال همه چیز پیشرفت کرده باشد. این خیلی بد است که شما به جای این که یک سیر تکاملی طی کرده باشید، آرزوی برگشت به گذشته را داشته باشید که در گذشته خیلی بهتر از وضعیت حال بود، کارهای ارزشمندتری اجرا می‌شد و حمایت‌های خوبی از تئاتری‌ها می‌شد. گرچه این حمایت‌ها، هیچ وقت حمایت‌های واقعا کافی و درخور نبوده ولی بالاخره در نسبتی قابل قبول و قابل توجه بوده، سال‌هاست همه آن حمایت‌ها قطع شده است. یک شورایی داشتیم به نام «شورای ساخت»، یک شورایی داشتیم به

نام «شورای حمایت». هر نمایشی که تصویب می‌شد به شورای حمایت می‌آمد و در شورای حمایت بررسی می‌شد که از نظر مالی و مادی چه میزان حمایت‌هایی را لازم دارد. دکوری که می‌بایست برای اجرای آن نمایش ساخته می‌شد، برای شورای ساخت مشخص می‌شد که باید کجا و چگونه ساخته شود. طراحی صحنه و لباسی که باید برای دکور و لباس طراحی می‌کرد، انتخاب و مشخص می‌شد و بالتبع لباس‌ها و دکور آماده می‌شد. سالن در اختیار گروه اجرایی قرار می‌گرفت، محل تمرین در اختیار بازیگران تئاتر قرار داشت، تمرین با نور و تمرین با دکور و همه این کارها صورت می‌گرفت؛ همه این‌ها یک‌باره حذف شد و هنرمند تئاتر برای این که نمایشی را روی صحنه بیاورد باید از جیب خودش مایه بگذارد و بعد هم باید ۲۰ درصد از فروش بلیت اجرای نمایش خود را بابت سالن بدهد، حتی به سالن‌های دولتی. این چه معنی دارد که یک سالن دولتی، سالنی که مربوط به شخص نیست، تئاتر یا خصوصی نیست؛ ساخته شده برای حمایت از تئاتر و هنرمند تئاتر که کار خودش را روی صحنه بیاورد.

علاوه بر این ۲۰ درصد، مالیات بر ارزش افزوده نیز از کار و بلیتی که فروش می‌رود، گرفته می‌شود. ۵ درصد دیگر از فروش را هم، شرکت یا هر جایی که از طریق آن بلیت‌ها به فروش می‌روند مثل تیوال، بابت فروش بلیت‌ها، برمی‌دارد. ضمن این که هزینه‌هایی مثل پوستر، بروشور، لباس، دکور، هزینه دو، سه ماه تمرین هنرمندان، رفت و آمدهایشان، هزینه پرداخت اجاره مکانی که برای تمرین‌هایشان باید در نظر بگیرند.

باید تئاتر را از مالیات معاف کنید

در بین افراد این حوزه، فقط تعدادی سلبی‌تی که به‌طور کلی اگر بخواهید تعدادشان